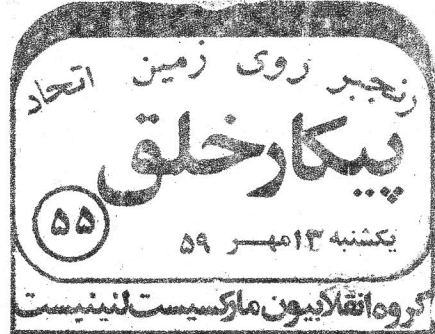




لایحه قانونی راجع به تأمین اعتبار جهت خرید سلاحهای سازمانی مورد نیاز
شهریانی جمهوری اسلامی ایران که در جلسه مورخ ۹/۳/۵۹ تصویب شورای
انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است پیوست ابلاغ میگردد
لایحه قانونی راجع به تأمین اعتبار جهت خرید سلاحهای سازمانی مورد نیاز
شهریانی جمهوری اسلامی ایران

ماده واحده - بمنظور تأمین سلاحهای سازمانی مورد نیاز شهریانی جمهوری
اسلامی ایران، اجازه داده میشود اعتباری حدود مبلغ چهل و چهار میلیون ریال از
طریق بینه دفاعی وزارت دفاع بلی تأمین و در اختیار معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع
بلی قرارگیرد تا نسبت به سفارش سلاحهای سازمانی از قبیل رولوراسمیت و سن و
سلسل یوزی اقدام و به شهریانی جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شود
شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران شماره ۱۰۳۱۵

شنبه ۴ مرداد ۵۹

قسم حضرت عباس را باور

کنیم یادم خروس را؟

سردمداران حکومت جمهوری اسلامی خود را "مدافع" خلق فلسطین
قلمداد میکنند و تبلیغات فزوانی براه میاندازند که گویا دشمن سر سخت
رژیم صهیونیست اسرائیل هستند. اما کارنامه حکومت نشان میدهد که دفاع
بقیه در صفحه ۵

یادداشتی بر جنگ ایران و عراق

مدتی است که جنگ بین دولت ایران و عراق در گرفت
است. هر دو طرف نیروهای نظامی و شبه نظامی خود را بسیج
کرده اند. هر یک ادعای کنند که روزانه مقداری اسلحه و
مهمات و نیروهای انسانی یکدیگر را به غنیمت گرفته اند. هر
دو طرف در دستگاههای تبلیغاتی خود، این جنگ را باخاطر
تحقق "آرمانهای انسانی" و "مذهبی" اعلام می کنند. دولت
ایران ادعای کند که بر علیه "قهر" صدام حسین و "صدام
انقلاب" می جنگد و دولت عراق مدعی است که "اسلام خمینی"

دروغین است و وی میخواهد بوسیله این
جنگ "آبروی اسلام حقیقی" را حفظ نماید.
بسیج عمدتاً نیروهای انسانی در ایران به
حول تبلیغ "دفاع از اسلام" صورت میگیرد و
به توده ها چنین وانمود میشود که این جنگ
یک جنگ مذهبی است و وظیفه یک مسلمان
آنست که از مذ هیش در مقابل کفر و ولت عراق
دفاع نماید. ابتدا به خواننده عزیز یاد
آور میشود که چنین تبلیغاتی فقط رنگ آمیزی
سطحی یک جریان عمیق اجتماعی است.

بقیه در صفحه ۲

دستگیری انقلابیون بیهانه مبارزه با شایعه سازی

هرچه جنگ میان رژیم بعثی صدام حسین و حکومت جمهوری اسلامی ادامه و تشدید
میباشد، محکومگران جمهوری اسلامی را بهر برای بیشتر برای سرکوبی انقلابیون نصیب
میکرد. شاهد بودیم که از سوی ارتش، دادستانی و دیگر مقامات حکومتی اطلاعیه و یا
بهرتر بگوئیم اخطاریه های بسیاری صادر شد مبنی بر اینکه شایعه سازان در رابطه با
جنگ ایران و عراق تحت پیگرد قانونی قرار میگیرند. دست اندر کاران حکومت جمهوری

اسلامی با اینگونه اخطاریه ها خیال دارند از
جمله از انتقال اخبار واقعی از مناطق جنگ
زده به دیگر نقاط جلوگیری کنند تا حکومت
با دست فراخ پخش جعلیات خود را در صدا
و سیما خود دنبال سازد. کمونیستها و
انقلابیون همیشه و در همه حال سعی داشته
و دارند که از جمله از طریق پخش اعلامیه و
تراکت و انتشار روزنامه ضمن افشای سیاستها
مرتجعانه حکومت، اخبار مبارزات خلقهای
ایران را در همه سطوح، بگوش همگان برسانند
اینکه که حالت جنگ در کشور وجود دارد باز
هم کمونیستها و انقلابیون از وظایف خود شانه
بقیه در صفحه ۴



خلع سلاح خلق کرد بنفع رژیم

بعثی عراق است

صفحه ۵۴

یادداشتی...

نظایر چنین اعمالی را در تاریخ بارها شاهد بوده ایم. کافیت به جنگهای ایران و عثمانی، جنگهای ایران و روسیه، تزاری، جنگهای ایرانیان و افغانها، لشکرکشی پاپ به فلسطین و... نظری بیفکیم. همگی ظاهراً جنبه های مذهبی داشته اند. اما آنها در حقیقت بیانگر چه چیزی بودند؟ هیچ چیز جز برآوردن منافع اقتصادی طبقات حاکم. رنگ و لعاب مذهبی زدن به لشکرکشیها چیزی نیست جز سوء استفاده کردن از اعتقادات مذهبی توده های خلق برای دست یافتن به منافع اقتصادی. رژیمهای عراق و ایران از این تاکتیک بهره می جویند و تا بحال خونهای سربازان و افسران جز و بسیاری از زخمکشان بر زمین ریخته شده است. در هر حال این جنگ در ایران باعث برانگیخته شدن یک ناسیونالیسم کورکسه لعاب مذهبی بخود زده است، شده است. این ناسیونالیسم طیف وسیعی را چه آنانکه رژیم کونی را مطابق امیال خود نمیدانستند و چه آنانکه مطابق میل خود میدانستند، در برمی گیرد. در این میان رویزونیستها (حزب توده، حزب رنجبران، چریکهای اکثریت) و حزب جمهوری اسلامی و بورژوازی لیبرال حلقه زده بدور بنی صدر رجوع و ماهیت یکسانند، در پرورش این ناسیونالیسم کور میکوشند، اگرچه اختلاف سلیقه هائی هم ریاده کردن نقشه واحد که هاما ناتاقویت ناسیونالیسم کوراست، در ارمیاشند. آنها همگی ادعا میکنند که دولت ایران مورد تجاوز قرار گرفته است و بنابراین دفاع در مقابل تجاوز در دستور کار قرار ارد و بایستی که ارتش ایران و تمام نیروهای شبه نظامی، از پاسداری گرفته تا سیه جامگان و غیره مورد حمایت و تقویت قرار گیرند. اما روش مارکسیست هانسیست به این چه می باید باشد؟

بنظر ما مارکسیستها هیچگاه از این زاویه که چه کسی تجاوز کرده و چه کسی مورد تجاوز قرار گرفته است، مسئله را مورد بررسی قرار نمیدهند. آنها توجه به این مسئله اساسی مارکسیسم مینمایند که ماهیت و جوهر ذاتی این نوع جنگها چیست، و در طرف جنگ دارای چه ماهیت طبقاتی هستند، و در طرف جنگ نسبت به آزادبیهای سیاسی و اجتماعی و مواضع ضد امپریالیستی (ضد سرمایه داری

انحصاری جهانی) دارای چه بنیانهای علمی و فکری هستند؟ آیا در طرف جنگ زخمکشان و خلقهای کشورهای خود را مورد ستم قرار میدهند و یا خیر؟ آری، با توجه به این اساسی ترین مسائل مارکسیسم است که در این اوضاع و احوال که ارق ناسیونالیسم کور چه بوسیله جناحهای حکومتی و چه توسط رویزونیستها امن زده میشود، می توان راهی صحیح و تاکتیکی درست بکاربرد. در این مورد که رژیم بعثی عراق یک رژیم ضد خلقی است، شکی نیست و ماهیت آنرا کور نیستنهای راستین از سالیان پیش به توده های خلق ایران نشان داده اند. رژیم بعثی عراق زخمکشان این کشور را تحت ستم و فشار قرار میدهد. خلق کرد که برای خود مختاری میجنگد را مورد شدیدی ترین سرکوبها قرار داده است. برای جدائی خلقهای عرب و کرد در عراق دست به تبلیغ برتریست عرب بر سایر خلقهای کشور زده است. کمونیستها و انقلابیون در مکررات راز پرشید. ترین فشارها قرار داده است. بر اساس خصلت طبقاتی اش ثروتهای این کشور را در اردوگاه امپریالیسم در طبق اخلاص گذاشته است. وابستگی به اردوگاه امپریالیسم، چه آمریکا و شوروی و چه سایر امپریالیستهای ریز و درشت را افزونتر مینماید و بر این اساس است که دولتی ضد خلقی نام میگیرد و سرنگونی آن در دستور کار انقلابیون و کمونیستهای عراق قرار دارد. رژیم بعثی در ظاهر شعارهای ضد امپریالیستی میدهد و حتی ظاهراً روابط سیاسی - دیپلماتیک خود را با آمریکا قطع نموده است. اما مسئله مهمی که بایستی در اینجا بآن توجه کرد، آنستکه امپریالیسم جهانی را امپریالیستی بمثابة یک اردوگاه حساب آورد که دولت عراق به این اردوگاه وابسته است، گرچه ممکن است گاه ظاهراً از یکی قطع امید کند و بدیگری بچسبد. مسئله مهم وابستگی داشتن به این اردوگاه می باشد. مارکسیستها هیچگاه نمی بایستی گول شعارهائی که با ماهیت طبقاتی شعار دهند، در تناقض میباشند را بخورند. این بود ماهیت یک طرف جنگ بنام رژیم بعثی عراق؟

اما ماهیت طرف دیگر جنگ چیست؟ رژیم ایران از همان بدو تولدش در یک تضاد آشکار با خواسته های توده های بیخاسته قرار گرفت. توده های بیخاسته از آنجهت قیام کردند و خود سلاحانه به نهادهای

امپریالیستی، از بانکها گرفته تا شرکتها و صنایع وابسته حمله بردند که بتوانند از زیر یوغ امپریالیستهای بیرون آیند. اما رژیم بروی کار آمد چه کرد؟ اوضاع نابسامان اقتصادی و وابستگیهای آن به امپریالیسم جهانی باقی ماند هیچ طرح و نقشه ای که بخواهد چه در کوتاه مدت و چه در دراز مدت، وابستگیهای اقتصادی را منهدم سازد، پیشنهاد نشده است. جبراً علمی نگردید. زندگی اقتصادی - اجتماعی زخمکشان نه فقط بهبود نیافت، بلکه هر روز از روز پیش بدتر شد. وامهای کلان باز هم به سرمایه داران وابسته داده شد. صنایع وابسته بازسازی شد. ارگانهای سرکوب چه ارتش و چه پامداران و... بسا سنگینی بسوی سرمایه داران وابسته و علیه زخمکشان بازسازی و بیانهاد شده اند. هرخواسته بگمبوند زندگی اجتماعی - سیاسی - اقتصادی با گلوله پاسخ داده شد. زندانها که روزی میبایستی برای دشمنان خلق مورد استفاده قرار گیرد، پرازمبارزین ضد امپریالیست و کمونیستها شد. خلقهای کرد و ترکمن و عرب و... مورد شدیدی ترین سرکوب قرار گرفته و میگیرد. آش و دیگر آند در شورشده است که حتی بنی صدر را اختلافاتی که با حزب جمهوری اسلامی دارد مجبور می گرد که ادعای نمایند در طول زمان پس از قیام "وابستگی ما چند برابر شده است" و یا رضا اصفهانی در یک سخنرانی در مجلس می گوید که "در زمان پس از انقلاب مستکبرین، مستکبرترین و مستضعفین، مستضعفتر شده اند" می بینیم که این سرچنگ، یعنی رژیم ایران گامهای اقتصادی و قهرآسیاسی خود را در اردوگاه سرمایه داری انحصاری جهانی (امپریالیسم) برمیدارد، گرچه ظاهراً امپریالیسم آمریکا با ایران قطع رابطه سیاسی و دیپلماتیک نموده و سپس دولت ایران هم مجبور به قطع رابطه گردید، اما از این گردونه خارج نگردید. پس جوهر مسئله را وابستگی به امپریالیسم تشکیل میدهد و قطع و وصل های وابستگی به این یا آن امپریالیسم با در نظر گرفتن ماهیت طبقاتی رژیم ایران کماز نظر سیاسی نوکر امپریالیستهایست و از نظر اقتصادی در همین گردونه میتواند برای منافع طبقاتی خود چانه هائی را بزند، تغییر در جوهر مسئله نمیدهد. پس این رژیم هم که حافظ سیستم سرمایه داری وابسته به

بقیه در صفحه ۳

یادداشتی...

امیرالیسم میباید، ضد خلقی است. زمانیکه دو رژیم ضد خلقی بجان هم می افتند وظیفه کونیستها چیست؟ کونیستها طبق رهنمودهای تاریخی بایه گذاران مارکسیسم که حقانیت خود را نه در آسمانها بلکه در روی زمین و در روابط طبقات نشان داده است، هیچگاه موافق جنگهای ناعادلانه نیستند. آنها موافق جنگهای واقعا آزاد بیخ هستند. جنگی که بخواهد تعیین آزادانه سرنوشت خلقهای تحت ستم را، تحقق بخشیدن بازادیها و استقلال اقتصادی - سیاسی رافراهم آورد. هر دو رژیم زمانیکه به ستمگری در مورد خلقهای خود و زحمتکشان مشغولند، چگونه میتوانند خود علیه ستمگری برخیزند؟ ایسن جمله مارکسیستی هیچگاه نیایستی فراموش شود که ملتی که ملت دیگر را مورد جور و ستم قرار دهد خود آزاد نیست.

خلاصه اینکه براین اساس دولت عراق و ایران بجان هم نیفتاده اند که گویا تحقق منافع خلقهای ایران و عراق را در سر دارند، اگرچه در تبلیغات خود از منافع خلق خودی سخن میگویند. آنها خلقهای ایران و عراق را گوشت دم توپ منافع طبقات سرما - یه دار خودی و مالا سرمایه داری امپریالیستی ساخته اند، حال چه بخواهند آنها را قرار کنند و چه تحت پوشش تبلیغات از توده های پنهان سازنده ضد البته آنها هیچگاه حقایق را انعان نخواهند نمود. این جنگ میتواند بر اساس فاکتورهای زیرین انجام گرفته باشد:

* - اختلافات مرزی که مسئله قدیمی بین ایران و عراق بوده است. * - کوشش برای نشان دادن توان تسلیحاتی خویش برای یک تازماندن در منطقه و اینکه ایران میتواند هنوز قدرتی از نظر تسلیحاتی در خاورمیانه باشد و یا اینکه عراق ادعا نماید که میتواند جایگزین ایران شود. قابل توجه است که نیروهای تسلیحاتی و طرفی بر اساس یک زیربنای تسلیحاتی متکی به خود بلکه وابسته به امپریالیستها رشد نموده و بنابر این امپریالیستها بکمک این حلقه اساسی هر دم میتوانند وابستگی ها را حتی تا حد نوکری به خود بکشانند. * - منحرف کردن افکار توده های

زحمتکش کشورهای خود از ناسامانیستهای د رونی.

* - تشدید مبارزه با انقلابیون و کمونیستها در کشورهای خودی، آن چیزی که اکنون در هر دو کشور انجام میشود. * - موجه جلوه دادن خریدهای بیکران اسلحه از کشورهای امپریالیستی در زیر لوای "دفاع" در مقابل "تهاجم خارجی"، در اینجا است که توده های زحمتکش و در پیشاپیش آنها کمونیستها باید از خود بپرسند که آیا چنین جنگی با چنین اهدافی بنفع آنهاست و یا ضرر آنها. باید توجه داشت هر یک از دو طرف جنگ اگر پیروز شوند (البته باید دانست که پیروزی در این نوع جنگها غیر ممکن است و فقط میتواند فرسایشی مدتها ادامه یابد، زیرا که خواه ناخواه تولید کنندگان اسلحه یعنی سرمایه داران جهانی هر کدام با چهره های حق بجانب به کمک این یا آن طرف درگیر جنگ خواهند شتافت و در حقیقت منافع خود را در این کارزار جستجو خواهند نمود) باز هم بنفع زحمتکشان و کشور نیست. بازسازی خرابیهای حاصل از این گونه جنگهای ناعادلانه باز هم برد و ضرر زحمتکشان سنگینی خواهد کرد و منافع حاصله از این جنگ فقط بحیث سرمایه داران دو کشور که در ارتباط مستقیم و یا غیر مستقیم با سرمایه داران جهانی هستند، سرازیر خواهد شد.

انقلابیون و کمونیستها چه در عراق و چه در ایران میایستی به آنچنان تبلیغات و آنچنان تاکتیکی دست بزنند که بتوانند پرده از ماهیت اصلی دو رژیم بعثی عراق و جمهوری اسلامی بردارند و اهداف آنها را از این جنگ برملا سازند. باید تبلیغ نمود که جنگهای مرزی ایران و عراق تا زمانیکه در هر کشور حکومت جمهوری خلق که بسوی سوسیالیسم قدم برمیدارد، بر روی کار نیاید که در سایه آن بتوان اختلافات را مبدل به صلح و دوستی بین خلقها نمود، همیشه و همیشه آن منفذی است که سود برنده اصلی آن امپریالیستها می باشند.

از این روست که زحمتکشان و پیشروان آنها کمونیستها، چه در عراق و چه در ایران میایستی بر علیه این جنگ و خاتمه دادن به آن بپاخیزند. باید چه از نظر تئوری و چه عملی بر علیه ناسیونالیسم کور مبارزه برخاست.

در زیرهای د و طرف میایستی به مرزهای قبیل

مکتبی کردن به

قیمت بیکاری

کارمندان

وزارت "ارشاد ملی" تا چندی پیش یکی از محلهای کشمکش جناحهای حکومتی بود. بخاطر داریم دعوای میناچی وزیر سابق این وزارتخانه را با عسکراولای سرپرست اوقاف بر سر اینکه آیا امور حج مربوط به سازمان اوقاف است یا وزارت ارشاد. بیاد داریم نامه پراکنیهای دولتشاهی نماینده امام در وزارت ارشاد را که مطبوعات به چاپ میروسانند و فغان از اینکه وزارت ارشاد هنوز "طاغوتی" است میناچی به نمایندگی از سوی لیبرالهای - کوشید بر این وزارتخانه مسلط باشد اما حزب جمهوری اسلامی نیز از کوشش باز - نایستاد، علی الخصوص که هر یک از دو جناح سعی بر آن داشتند که از طریق در انحصار گرفتن امور حج، بایسره گیری از درآمدهای حاصل از حج برای جناح خود ثروتهای کلانی به جیب بزنند. باز هم بیاد داریم که پس از اشغال لانه جاسوس در مورد میناچی افشاگریهایی صورت گرفت تا شاید وی را به عقب نشینی وادارند.

بقیه در صفحه ۴

از جنگ برگردند و در اینجا کمونیستها می توانند با توجه به مرزبندیهای فوق و تبلیغ و ترویج حول آن مستقلانه به بسیج و سازماندهی توده ها همت گمارند تا طرفین جنگ را که دست به تصرف قطعاتی از خاکهای یکدیگر زده اند، تا مرزهای قبل از وقوع جنگ به عقب برانند. در شماره آینده به بحث در مورد پیشنهاد آتش بس از طرف رژیم بعثی عراق و نپذیرفتن آن در حال حاضر از طرف حکومت جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

دستگیری ...

خالی نکرده و بلکه حتی میگویند اخبار واقعی را در رابطه با جنگ کسب کرده و در اختیار مردم بگذارند. حکومت جلوه اسلامی که اینک با تبلیغات وسیع میکوشد همه از همان عمومی را متوجه جنگ نماید و برای مردم این تصور را بوجود آورد که گویا دشمن در خارج از مرزهاست، از این که کمونیستها اصولاً اهداف این جنگ را افشاء کرده و دشمنان واقعی مردم را به آنها بشناسانند وحشت دارد، بدین جهت اینک که بخیال خود اوضاع را مساعد میبیند، هجوم گستردهای را به نیروهای انقلابی و کمونیست سازمان داده است کمیتهها و پاسداران در تگایو افتاده و هر کسی را که مشغول پخش اعلامیه است به بهانه "شایعه سازی دستگیر و روانه زندان میکنند". البته مجوز چنین دستگیریهای را نیز قبل از آن اخبارهای چپ و راست مقامات و خمینی در سخنان اخیر خود صادر کرده بود. اطلاعات مهر با تیتربرجسته ای خبر از دستگیری و شایعه ساز "میدهد طبق خبر اطلاعات این "شایعه سازان" از طرفداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر بود مانند دستاندرکاران خلق که خود در دروغگوئی و شایعه سازی بد طولانی دارند و می پندارند که با اینگونه برجسته ها به انقلابیون و کمونیستها می توان آنها را از مبارزه و بالا بردن سطح آگاهی زحمتکشان و کار و سازماندهی در میان توده های زحمتکش باز دارند. اما این پند از عیثی است. انقلابیون و کمونیستها را از بند هراسی بدل نیست و حکومت با اینگونه دستگیریها و علی الخصوص در چنین شرایطی، خود را بیش از پیش رسوا میسازد.

در پخش

بیکار خلق

ما را یاری رسانید

"مکتبی کردن ..."

تا آنجا که وی را به زندان افکندند، اما کمک بموقع بنی صدر وی را نجات داد و از زندان آزاد ساخت. کشمکشهای این دو جناح ادامه یافت تا اینکه در این میان مسئله "پاکسازی" نیز غلظت شد. هیئت "پاکسازی" و انجمن اسلامی این وزارتخانه بارها میناجی را به مناظره و مذاکره و هم چنین شرکت در جلسات متعدد دعوت کردند. سرانجام دولت جدید بر سرکار آمد و عباس دوز و وزانی وزیر این وزارتخانه شد و مأمور یافت تا به بهانه "مکتبی" کردن وزارت ارشاد ملی، شرایط یک تازیهای حزب جمهوری اسلامی را در اینجا هم بیش از پیش فراهم آورد.

اینک چند روزی است که بدستور عباس دوز و وزانی وزارت ارشاد را تعطیل کردند اما براستی این تعطیلی برای تحقق چه اهدافی صورت گرفته است؟

هدف از تعطیل این وزارتخانه نه واقعاً اخراج عوامل رژیم گذشته است، بلکه در حقیقت حزب جمهوری اسلامی که مجری و طراح اصلی به تعطیلی کشانیدن این وزارتخانه است میخواهد از سوئی با جناح لیبرالها تصفیه حساب نماید و از سوی دیگر با استفاده از فرصت تعطیلی، کارمندان آگاه و مبارز را از کار برکنار کند و سپس با برچین کردن عناصری که به حزب گرایش دارند و گماردن آنها بر پستهای مناسب موضع خود را در وزارت ارشاد تحکیم بخشد. آنگونه که از ظواهر امر برمی آید شاید ۸۰ درصد کارمندان این وزارتخانه مشمول "پاکسازی" گردند و با باقیمانده گان که حساب شده انتخاب میشوند، وزارت ارشاد بازسازی میشود.

بدنبال تعطیل کردن وزارت ارشاد کارمندان آنجا که خطر بیکاری زندگیشان را تهدید میکرد، با اجتماع خود در مقابل این وزارتخانه صدای اعتراض خود را بلند ساختند. طبق معمول پاسداران سرمایه با شلیک تیر هوایی سنگین برهم زدن اجتماع کارمندان کردند. در واقع حکومتگران به بهانه اینکه میخواهند وزارتخانه را به اصطلاح خود "مکتبی" کنند، درصدد هستند که کارمندان معتمد و آگاه را مورد تصفیه قرار دهند.

منتشر شد

پرولتاریا و خلقهای جهان

متحد شوید!

لنینیسم

جلد سوم

مسکو ۱۹۳۵

مهر ۱۳۵۹

کتاب درسی برای

مدرسه حزبی

علاوه بر این، اینگونه تعطیل کردن ها نتایج دیگری را هم در بر دارد، از جمله اینکه بر خیل بیکاران کشور می افزاید. حکومت که فریاد مبارزه با بیکاری بر میدارد و دستگاها تبلیغاتی اش خبر از برداشتن گام در راه رفع مشکل بیکاری می دهد، با اینگونه سیاستهای مرتجعانه، خود عامل اصلی افزایش بیکاری است. اگرچه حکومت میکوشد با انگ "ضد انقلابی" جنبش بیکاران را جلو گیرد و این کارمندان معتمد و معترض را هم از ادامه اعتراض بازدارد، اما مبارزات بیکاران میهن و از جمله اجتماع محقانه کارمندان وزارت ارشاد گویای این امر است که حکومت جمهوری اسلامی به عیث می پندارد که بر بستر گورستانی آرام می تواند طرحهای مرتجعانه خود را بمورد اجراء در آورد. دفاع از کارمندان که خطر بیکاری تهدیدشان می کند و شرکت در مبارزات بیکاران و دادن جهت صحیح به آن از جمله وظایف انقلابی ما است.

خلع سلاح خلق کرد بنفع رژیم بعثی عراق است !

درست در شرایطی که رژیم فاشیستی بعث عراق حملات پی در پی خود را بر مناطق مرزی ایران تشدید میکند، در شرایطی که خلق دلاور کرد از همه سو مورد تهاجم قرار گرفته و نشان میدهد که بهترین مبارزه را بر علیه رژیم بعثی عراق انجام داده و سرسخت ترین مقاومت را بر علیه ارتش مهاجم عراق سازمان داده است و در حالیکه حکومت جمهوری اسلامی بدروغ دم از تسلیح عمومی و مقابلها مهاجمین عراقی میزند، مردم دلاور مهاباد مورد یورش ژاندارمری جمهوری اسلامی و جاشهای محلی که حکومت آنان را "معتدین محلی" مینامد، قرار میگیرند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی حتی در شرایطی که درگیر جنگ با رژیم بعثی عراق است، فراموش نمیکند که سرکوبی خلق دلاور کرد را هم همزمان پیش ببرند. اکنون رزمندگان کرد هم از سوی رژیم فاشیستی عراق و هم از طرف سرکوبگران حکومت جمهوری اسلامی مورد تهاجم قرار گرفته اند. حکومت خود نیز میدانند تسلیح عمومی فریبی بیش نیست. حکومت میدانند اسلحه ها را بدست چه کسانی باید بدهد و چه کسانی را خلع سلاح کند. حکومت میدانند که خلق مسلح کرد دشمن آشتی ناپذیر امپریالیسم و دست نشانده گان آن است. از این جهت در چنین شرایطی که تبلیغات فراوان افکار عمومی را متوجه جنگ با عراق کرده است، بسان مزدوران ساواکی خانگودیه را ادامه میدهد تا با خلع سلاح خلق کرد حاکمیت خویش را در این منطقه انقلابی و بر خلق بیباک خاسته کرد تحکیم بخشد. ما میگوئیم خانه گردی و خلع سلاح خلق کرد مستقیماً در حدتضعیف مقاومت در مقابل رژیم فاشیستی عراق میباشد.

منتشر شد

مسائل

تئوریک - سیاسی (۳)

• مرزبندی صریح بارویزیونیسم و سوسیال امپری -

یالیسم معیار وحدت جنبش کمونیستی است

ییرامون مواضع سازمان رزمندگان ...

• نقدی بر مواضع ایدئولوژیک سیاسی

"وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" (۳)

• نین مبارزه بخاطر قدرت و مبارز برای صدقه

هزینه های ...

راه انداخت هر دو نوع هزینه را در پشت این هزینه ها بایستی از عرق جبین زحمتکش آن میهنان تامین شود. "ستاد انقلاب فرهنگی" حکومت کدام برنامه را به اجرا در آورد که برای اجرای آن نیازمند ده میلیارد ریال باشد؟ آیا جز سرکوب دانشجویان مبارز و تقویت گروه های فالتو و حزب الهی و از جمله گسترش انجمن های اسلامی دانشگاه؟ حال میبینیم که چگونه "بیت المال" بیرون میرود.

قسم حضرت ...

حکومتگران از خلق فلسطین نه فقط در حرف بوده بلکه میکوشند که مبارزات خلق قهرمان فلسطین را نیز تخفیف بخشند. از این جهت چندی است که حکومت صهیونیستی اسرائیل را رژیم اشغالگر قدس مینامند تا از سوئی نیز با تقسیم رزمندگان فلسطینی به مسلمان و غیر مسلمان و اینکه فقط برای و هائی قدس باید مبارزه کرد، در جبهه آزادی بخش خلق فلسطین تفرقه بیاندازند این یک سوی قضیه است. مطلب دیگر اینکه حکومت جمهوری اسلامی با خرید اسلحه های یوزی از اسرائیل صهیونیست عملاً رژیم صهیونیستی و غاصب اسرائیل را تقویت کرد و قدرت وی را در سرکوبی بیخاستگان فلسطینی یاری میرساند. سندی که شاهد میکنید نشان میدهد که چگونه "شورای انقلاب" مبلغ ۴ میلیون ریال که حاصل دسترنج زحمتکشان است، در اختیار وزارت دفاع قرار میدهد که اقدام به خرید اسلحه نمایند میدانیم که اسلحه یوزی در اسرائیل ساخته میشود و حتی اگر رژیم جمهوری اسلامی به طور غیر مستقیم و از طریق واسطه نیز به خرید یوزی اقدام ورزد، باز هم نمیتواند چهره خود را در تقویت صهیونیستها پنهان سازد چه بهر حال سودش بحیب سرمایه داران صهیونیست سرازیر خواهد شد. این سند که از روزنامه رسمی جمهوری اسلامی استخراج شده است بیانگر تهنی بودن تبلیغات رژیم در "دشمنی" با رژیم صهیونیست اسرائیل و "دفاع" از خلق رزمنده فلسطین است.

حال میبینیم قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را؟

راستی استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۴/۲۵

شماره ۱۵۷۱۶
وزارت فرهنگ و آموزش عالی

لایحه قانونی راجع به تأمین اعتبار هزینه برگزاری امتحانات داوطلبان ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در سال ۵۹ که در جلسه مورخ ۵۹/۴/۲۳ بتصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است پیوست ابلاغ میگردد.

لایحه قانونی راجع به تأمین اعتبار هزینه برگزاری امتحانات داوطلبان ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در سال ۵۹

ماده واحده - به نخست وزیر اجازه داده میشود که مبلغ سی و پنج میلیون (۳۵۰۰۰۰۰۰) ریال از محل اعتبار دولت برای پرداخت حق الزحمه و هزینه های برگزاری امتحانات داوطلبان ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در سال ۱۳۵۹ در اختیار وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار دهد. مصرف وجه مزبور از شمول قانون محاسبات عمومی مستثنی میباشد.

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران شماره ۱۰۳۴۲

۵ شنبه ۶ شهریور ۵۹

۱۳۵۹/۴/۲۵

شماره ۷۲۳۶
وزارت فرهنگ و آموزش عالی

لایحه قانونی راجع به تحقق برنامه های ستاد انقلاب فرهنگی که در جلسه مورخ ۵۹/۴/۲۵ بتصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است به پیوست ابلاغ میگردد.

لایحه قانونی راجع به تحقق برنامه های ستاد انقلاب فرهنگی

۱ - دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی موظفند نیروهای را که بر اثر تعطیل دانشگاهها و مؤسسات مذکور آزاد شده اند (اعضای هیئت علمی، کارمندان و عوامل خدماتی) برای بازسازی و توسعه کشور در اختیار برنامه های بگذارند که توسط ستاد انقلاب فرهنگی طرح و مطابق دستورالعمل مصوب این ستاد به مرحله اجرا درسی آید. حقوق و مزایای افرادی که در اختیار ستاد قرار میگیرند کمترین از محل اعتبارات مصوب دانشگاهها پرداخت میشود.

۲ - دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی موظفند برای اجرای برنامه های مذکور در فوق، اسکناسهای آموزشی و تجهیزات و وسائل کارگاهی خود را در اختیار ستاد انقلاب فرهنگی قرار دهند. بودجه ای که مربوط به اداره این قسمت است کمترین از محل اعتبارات دانشگاهها تأمین میشود.

۳ - برای هزینه های جاری و تحقق برنامه های مذکور در فوق مبلغ پنج میلیارد ریال از محل اعتبارات هزینه های خاص دستگاههای اجرائی ردیف ۵۰۱۰۰۲ در اختیار ستاد انقلاب فرهنگی قرار میگیرد. مصرف این وجوه از شمول قانون محاسبات عمومی مستثنی است.

تصمیم - نیروهای که در اختیار ستاد انقلاب فرهنگی قرار میگیرند موظفند زیر نظر ستاد عمل کنند و پرداخت حقوق و مزایای آنان توسط دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی براساس گواهی انجام کاری خواهد بود که توسط ستاد صادر میشود.

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران شماره ۱۰۳۴۲

۴ شنبه ۵ شهریور ۵۹ شماره ۵

هزینه های خاص، حکومت

از دسترنج زحماتشان

تأمین میشود

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی وحشت زده از مبارزات خلقهای دلاور ایران به هرکاری دست زد تا شاید این مبارزات را تخفیف دهد. مبارزات دانشجویان آگاه و مبارز بخشی از جنبش عمومی خلقهای ایران است که از تهاجم ارتجاع حاکم در امان نماند. کشتار دانشجویان در اوائل اردیبهشت ۵۹ بدست سرکوبگران حکومت جمهوری اسلامی نشان داد که دانشگاه سنگر مبارزه و مقاومت بوده و درست از این رو حکومت با ریختن خون فرزندان دلیبر خلق کوشید آنها را به سنگر تسلیم و سازش تبدیل سازد و چون نتوانست توطئه تعطیل دانشگاهها را به اجرا درآورد.

حکومتگران در همان زمان که خیال بستن دانشگاهها را در سر می پروراندند، در همان زمان که میدانستند اسامی از کنکور و امتحانات ورود به دانشگاهها خبری نیست، طبق سند شماره ۱ مبلغ ۳۵ میلیون ریال ظاهراً برای هزینه های کنکور در اختیار وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار دادند. اما اینکه که دانشگاههای ایران به زور سر نیزه تعطیل شد است، اینکه که امتحاناتی برای ورود به دانشگاه برگزار نشده است تا هزینه های در بر داشته باشد مردم ما حق دارند بپرسند این مبلغ هنگفت چه شد و به جیب چه کسانی سرانبر شد؟ گذشته از این در سند شماره ۲ مشاهده میکنیم که مبلغ ۵ میلیارد ریال نیز در اختیار "ستاد انقلاب فرهنگی" قرار گرفته است. طبق همین سند حقوق استادان و کارمندان و عوامل خدماتی دانشگاهها و همچنین هزینه تجهیزات و وسائل کارگاهی و دیگر امکانات آموزشی همه و همه از طریق اعتبارات دانشگاهی تأمین میشود و این مبلغ (۵ میلیارد ریال) "از محل اعتبارات هزینه های خاص دستگاههای اجرائی" در اختیار این ستاد قرار گرفته است. در اینجا نیز زحماتشان میهنان حق دارند بپرسند این هزینه های خاص چیست؟ آیا مخارج انجمنهای اسلامی از این هزینه های خاص تأمین میشود؟ آیا این هزینه های خاص مخارج برگزاری کنگره های کدائی چون کنگره دانشگاه و فیضیه را هم شامل میشود؟ آیا مخارج سپاه پاسداران، مخارج سفرهای تبلیغاتی گردانندگان حزب جمهوری اسلامی، مشمول این هزینه های خاص است؟ آیا...؟! البته و صد البته. قدرتمندان جمهوری اسلامی جهت تحکیم پایه های حکومت خود فقط به اسلحه و نیروهای سرکوبگر نیازمند نیستند. آنها محتاج به یک سیستم تبلیغاتی وسیع نیز میباشند. برای هزینه های خاص لازم دارند و برای تبلیغاتی که این سرکوب را توجیه کند نیز هزینه های خاص "انقلاب فرهنگی" ای که رژیم به

بقیه در صفحه ۵

پیش بسوی جمهوری دمکراتیک خلق

www.peykar.org